

مطالعه پدیدارشناسانه دلایل گرایش به ارتباط با جنس مخالف قبل از ازدواج

مسلم امیری^{۱*}، رامین حبیبی کلپیر^۲، ابوالفضل فرید^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۵ صص: ۳۰-۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۲۴

چکیده

برقراری رابطه دوستی با جنس مخالف، به دلیل اثرات فردی و اجتماعی این پدیده، امروزه بیش از پیش مورد توجه روان‌شناسان و جامعه‌شناسان قرار گرفته است. هدف این پژوهش، واکاوی دلایل گرایش به ارتباط با جنس مخالف قبل از ازدواج در میان دانشجویان دانشگاه بود. این پژوهش، مطالعه‌ای کیفی از نوع پدیدارشناسی است که با استفاده از مصاحبه نیمه ساختار یافته اجرا شد. نمونه‌ها شامل ۱۸ نفر از دانشجویان کارشناسی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ بود که با به کارگیری اشباع نظری در تعیین حجم نمونه و به روش نمونه‌گیری گلوله برفی به دست آمد. در این پژوهش ۸ مضمون اصلی و ۲۵ مضمون فرعی استخراج شدند که مضامین اصلی عبارتند از: خلاء عاطفی، تربیتی- تغییرات ناگزیر اجتماعی، فرهنگی- رسانه‌های جمعی-دین- گریزی- پاسخ به نیاز درونی- ویژگی‌های شخصیتی- فشارهای محیطی و دوستان و سیستم آموزشی ناکارآمد. یافته‌های این پژوهش، ضرورت توجه نهادهای مسئول تربیتی- فرهنگی کشور، خانواده‌ها و افراد متخصص و دلسوز فعال در این زمینه به تجربیات زیسته برآمده از چنین پژوهش‌هایی، آگاه سازی آحاد جامعه توسط نهادهای مسئول در زمینه آسیب‌های ناشی از ارتباط ناسالم و آموزش شیوه‌های برقراری ارتباط سالم را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

واژه‌های کلیدی: رویکرد پدیدارشناسی، ارتباط با جنس مخالف، دانشجویان.

^۱ دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان- تبریز، ایران.

^۲ دانشیار روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان- تبریز، ایران.

^۳ دانشیار روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان- تبریز، ایران.

* نویسنده مسئول مقاله: amiri.moslem@yahoo.com

مقدمه

انسان موجودی اجتماعی و مدنی است، لذا بدون تعامل و ارتباط با دیگران نمی‌تواند به زندگی خود ادامه دهد. بنابراین تمایل و کشش دوجانبه دو جنس دختر و پسر به یکدیگر، یک نیاز و امری طبیعی است که به جهت هدفمندی خلقت در وجود انسان نهادینه شده و منجر به برقراری رابطه بین آنها می‌گردد. در همین راستا بدیهی است انسان تا زمانی که به نیازهای خود پاسخ نگفته، به آرامش روحی و روانی نخواهد رسید اما اگر این پاسخ از مجرای صحیح و مناسب خود داده نشود، نه تنها آرامشی به دنبال ندارد، بلکه باعث انحراف خواسته‌های او نیز خواهد شد (Karami, 2018. P9). یکی از آسیب‌های مهم روابط با دیگران که در جامعه ما نیز در دو دهه اخیر رو به فزونی گذاشته است، دوستی‌ها و روابط پنهان و نامتعارف جوانان مجرد است که این مسئله به نام دوستی با جنس مخالف مشهور شده است (Ahmad poor, 2016. P118).

انقلاب جنسی اواخر دهه 1960 در کشورهای اروپایی و آمریکایی با اسطوره زدایی از رابطه جنسی، آن را به امری عادی و معمولی تبدیل کرد که به راحتی در پیش از ازدواج دست‌یافتنی است (Karimian & Zarei, 2016. P43). بیست سال پس از انقلاب جنسی، Rindfuss & Morgan وقوع یک انقلاب جنسی خاموش ولی عمیق را طی بیست سال گذشته در آسیا مطرح کردند که به علت تغییرات در سبک ازدواج اتفاق افتاده است. منطقه آسیا منطقه‌ای است که نسبت به جامعه غرب محافظه‌کارتر و بسته‌تر است و این انقلاب و دگرگونی شامل افزایش روابط جنسی قبل از ازدواج نیز می‌شود. در ایران نیز انجام مطالعات و تحقیقات در زمینه رفتارهای جنسی قبل از ازدواج در بین جوانان، همانند جوامع محافظه‌کار برای سال‌ها بسیار محدود بوده است (Khalaj Abadi, Farahani, 2017. P341).

در سده اخیر در ایران، بر اثر تحولات فرهنگی و اجتماعی ناشی از فرایند نوسازی، حوزه روابط اجتماعی دستخوش تغییر و تحولات گسترده‌ای قرار گرفت. یکی از مهم‌ترین تغییرات در این حوزه، برقراری رابطه اجتماعی جوانان با جنس مخالف به صورت گسترده و نامتعارف است. پایین آمدن سن بلوغ و بالا رفتن سن ازدواج در جامعه ایران یا به تعبیر دیگر، افزایش روز افزون فاصله بین سن بلوغ و سن ازدواج که طبق آمار و ارقام این فاصله به بیش از ۱۰ سال رسیده است (Asadian, Mohamad zade & Najafi, 2016. P510)، باعث شده این روابط به شکل دوستی دختر و پسر و رضای نیازها خارج از حوزه ازدواج و خانواده مشاهده شود و نگرانی جامعه‌شناسان و روان‌شناسان

را برانگیزاند. چنین پدیده‌ای در دهه‌های گذشته (قبل از انقلاب) فقط میان اقشار مرفه شهر، آن هم در شهرهای بزرگ به صورت محدود جریان داشت اما پس از انقلاب با تاکید بر ارزشهای اسلامی، چنین روابطی نفی شد. در اوایل دهه هفتاد همزمان با دگرگونی‌های ساختی مانند گسترش شهرنشینی، صنعتی شدن، افزایش میزان سواد، مشارکت زنان در اجتماع و گسترش کمی و کیفی وسایل ارتباط جمعی جدید مانند تلفن همراه و چت کردن از طریق برنامه‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی (مانند اینستاگرام و تلگرام)، این پدیده بار دیگر از بطن تعامل اجتماعی جوانان پدید آمد و دامنه نفوذ آن نیز به رده‌های سنی پایین‌تر، از جمله نوجوانان گسترش یافته است (Mohamadi & Mohamadi, 2017. P642).

جامعه ایرانی-اسلامی همواره برای استحکام نهاد خانواده در تلاش بوده تا افراد را از هر گونه روابطی برحذر دارد که می‌تواند بر این نهاد مقدس آثار زیانباری داشته باشد، چرا که در مکتب اسلام هیچ بنیانی محبوب‌تر و ارزشمندتر از ازدواج و تشکیل خانواده وجود ندارد (Azar & Namvar, 2018. P44). خانواده، مناسبترین نظام برای تأمین نیازهای روحی و معنوی بشر است و بهترین بستر را برای تأمین امنیت و آرامش روانی اعضا، پرورش نسل جدید، اجتماعی کردن فرزندان و برآورده ساختن نیازهای عاطفی افراد فراهم می‌آورد (Hesoomi et al, 2018. P104). معاشرت و دوستی آزادانه دختر و پسر می‌تواند مشکلات و گرفتاری‌های متعددی را برای آنان ایجاد کرده و آنان را از مسیر عادی زندگی‌شان دور سازد. در این رهگذر دختران به مراتب بیشتر از پسران آسیب‌های روانی و اجتماعی و گاه جسمی و بهداشتی می‌بینند که بر زندگی شخصی، خانوادگی و سلامت جسمی آنان اثرات منفی بر جای گذاشته و گاه موجب از هم پاشیدگی زندگی آنان می‌شود (Karami, 2018. P17).

با وجود اینکه روابط اجتماعی جوانان قبل از ازدواج در ایران، برخلاف هنجارهای سنتی، مذهبی و فرهنگی است، برخی شواهد در سالهای اخیر بر روند افزایش این گونه روابط در میان جوانان دلالت دارند؛ برای نمونه شواهد و نتایج تحقیقات در این زمینه بیانگر آن است که بیش از نیمی از دختران دانشجو در تهران، قبل از ازدواج تجربه رابطه و دوستی با جنس مخالف را داشته و حدود یک چهارم نیز تماس جنسی را قبل از ازدواج تجربه کرده‌اند (Mohamadi & Mohamadi, 2017. P642).

آمار بالای طلاق و تعارض‌های زناشویی، بالا رفتن سن ازدواج در میان جوانان و قشر به ویژه تحصیل کرده اجتماع، مهاجرت و سکونت افراد در شهرهای بزرگ به دلایل کاری و تحصیلی و نظارت نداشتن خانواده، نبود تمکن مالی افراد جهت تشکیل خانواده و شیوع سبک‌های نوین روابط جنسی پیش از ازدواج، تنها بخشی از تهدیدهایی است که امروزه بنیان خانواده را در ایران هدف قرار داده است (Karimian & Zarei, 2016. P42). بنابراین گزارش‌های مرکز آمار ایران، از پیامدهای مهم رابطه با جنس مخالف می‌توان به افزایش میانگین سن ازدواج اشاره کرد که در سال ۱۳۹۰، دختران به ۲۳/۳ و پسران به ۲۶/۷ سال رسیده است. از دیگر پیامدهای مهم این آمارها می‌توان کاهش تمایل به ازدواج و افزایش مجرد قطعی را نام برد که در دختران و پسران به ترتیب ۸ درصد و ۵ درصد در همان سال است (Azar & Namvar, 2018. P46)

حتی در جوامع غربی با وجود اینکه ارتباط با جنس مخالف با ارزش‌ها و هنجارهای آنها مغایرت ندارد، پیامدهای آن از قبیل افزایش تعداد فرزندان نامشروع، والدین مجرد، فرزندان بی سرپرست و تک سرپرست و خطر ابتلا به بیماری ایدز موجب نگرانی این جوامع شده است (Gue, Wu, Qiu, Chen & Zhang, 2012. P200)، چه برسد به فرهنگ اصیل ایرانی-اسلامی ما که توجه ویژه به این بخش را پررنگ‌تر می‌سازد.

متأسفانه تاکنون مطالعات کیفی انگشت شماری در سطح کشور در خصوص رابطه با جنس مخالف قبل از ازدواج انجام شده و بیشتر مطالعات به صورت کمی و پیمایشی انجام گرفته‌اند که آن پختگی و عمق نتایج حاصله را ندارند. پژوهش‌های کمی نشانگر نوعی رویکرد Etic (نگاه از بیرون) به مسئله مورد نظر است اما پژوهش‌های کیفی مانند پدیدارشناسی نشانگر نوعی رویکرد Emic (نگاه از درون) به مسئله است (Mohamadi & Mohamadi, 2017. P645). از پژوهش‌های صورت گرفته در داخل کشور در این زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

آزاد ارمکی و شریفی ساعی (Azad Armaki & Sharifi Saei, 2012)، رابطه جنسی پیش از ازدواج را در میان جوانان ایرانی با استفاده از رویکرد کیفی بررسی کردند. نتایج نشان داد مسائلی مانند احساس نیاز، حس کنجکاوی و کسب تجربه، شبکه روابط اجتماعی و گروه‌های دوستی، بیکاری، شرایط اقتصادی، فشار فرهنگی، افزایش سن ازدواج، افزایش فناوری‌های ارتباطی و تغییر ارزش‌های فرهنگی در جامعه، از جمله مهم‌ترین عوامل پیدایش و گسترش این روابط هستند.

رفاهی، گودرزی و میرزایی چهارراهی (Refahi, Goodarzi & Mirzaei chaharrahi, 2012)، در پژوهش خود نشان دادند که به ترتیب عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی، مؤثرترین عوامل بر شکل گیری رابطه دوستی پیش از ازدواج بین دختران و پسران از دید دانشجویان است. همچنین رابطه معناداری بین عوامل مؤثر بر شکل گیری رابطه دوستی پیش از ازدواج با متغیرهای جنسیت، وضعیت اشتغال و وضعیت تأهل وجود نداشت.

خواجه نوری و دلاور (Khaje Noori & Delavar, 2013) نیز در پژوهش خود نشان دادند که میزان استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، شیوه زندگی نوین، فشار دوستان، میزان مذهبی بودن (به عنوان نوعی سبک زندگی) و در نهایت فشار خانواده از جمله عوامل تعیین کننده گرایش به این نوع روابط هستند. همچنین دلاور و احمدی (Delavar & Ahmadi, 2013)، تکنولوژی تلفن همراه، شبکه‌های مختلف ماهواره‌ای، شبکه اینترنت با ارائه فضایی غیرمجازی و چند لایه مانند سالن‌های گفتگو و بحث بین کاربران را از جمله عوامل مؤثر در شیوع ارتباط با جنس مخالف قبل از ازدواج نام می‌برند.

محمودیان و دُراهکی (Mahmoodian & Dorahaki, 2015)، نشان دادند که به ترتیب متغیرهای فرامادی‌گرایی، خانواده محوری، هزینه فرصت ازدواج، وضعیت تاهل و جنسیت بیشترین تاثیر را بر نگرش مثبت به رابطه دوستی بین دختر و پسر قبل از ازدواج دارند. همچنین اسدیان، محمدزاده و نجفی (Asadian, Mohamad zade & Najafi, 2016)، به این نتیجه رسیدند که دانشجویانی که خود را از نظر باورهای دینی در حد کم ارزیابی کرده بودند، نسبت به این گونه دوستی‌ها نگرش مثبت‌تری داشته‌اند. همچنین بین میزان استفاده از اینترنت و دوستی با جنس مخالف رابطه مثبتی وجود دارد و معتقدند که تجربه این رابطه نسبت به موفقیت ازدواج در آینده در حد متوسط تاثیر دارد ولی در عوض تاثیرات روانی منفی بیشتری دارد.

یافته‌های پژوهشی نوغانی دُخت بهمنی و محمدی (Noghani Dokht Bahmani & Mohamadi, 2017) بر این امر تاکید دارد که رابطه با جنس مخالف موجب کسب هویت اجتماعی و نیاز جنسی شده و این امر باعث می‌شود در گروه دوستان از پذیرش اجتماعی بالا و قدرت و نفوذ بیشتری در بین همسالان برخوردار باشند.

کریمی (Karami, 2018) نیز در پایان نامه کارشناسی ارشد خود، ویژگی‌های شخصیتی بالینی و غیر بالینی، جذابیت جنس مخالف، تصورات قبلی مثبت و ساده اندیشانه از رابطه با پسر و برقراری

رابطه برای ایجاد سرگرمی و تنوع در زندگی یکنواخت روزمره را جزو عوامل فردی موثر بر شکل‌گیری ارتباط با جنس مخالف مشخص کرده و گروه دوستان، عوامل بین فردی موقعیتی، داشتن شرایط نامتعادل خانوادگی و استفاده نامناسب از تکنولوژی‌های جدید ارتباطی و حضور فعال و کنترل نشده در شبکه‌های ارتباطی فضای مجازی را جزو عوامل محیطی-اجتماعی موثر بر شکل‌گیری ارتباط با جنس مخالف، شناخته است. ابراز علاقه و محبت پسر، ایجاد انگیزه و روحیه تازه و القای امید و آرامش توسط پسر، وعده ازدواج پسر و جذابیت جنس مخالف، از عواملی محسوب می‌شود که پسر عاملیت مستقیم در تداوم ارتباط دوستی دارد. وابستگی، عشق، داشتن رویاها و افکار شیرین درباره آینده و درگیری فکری با جنس مخالف، جزو عواملی است که عاملیت دختر نقش مهمی در ادامه و حفظ رابطه با جنس مخالف دارد.

در حوزه مطالعات خارج از کشور و به ویژه کشورهای غربی و غیرمسلمان به دلیل اینکه ارتباط با جنس مخالف با ارزش‌ها و هنجارهای آنها مغایرت ندارد، تحقیقات اندکی به ذکر دلایل گرایش به ارتباط با جنس مخالف وجود دارد، اما می‌توان به یافته‌های معدود کیفی زیر اشاره کرد: ویتی (Whitty, 2008) بر تاثیر قوی فضای مجازی در تمایلات افراد به رابطه با جنس مخالف قبل از ازدواج تاکید دارد. همچنین باس (Buss, 2012) تاثیر ارتباط با دوستان و لئونارد و جونز (Leonard & Jones, 2012) محتوای رسانه‌ها و حمایت آنها از رفتار جنسی را به عنوان عوامل موثر بر گرایش به این گونه روابط نشان داده‌اند.

نکته بسیار مهم این است که قشر تحصیلکرده جامعه معمولاً زودتر در معرض تحولات نوظهور واقع شده و از آن تاثیر می‌پذیرند، لذا تحولات جامعه ابتدا در این قشر به دلیل ویژگی‌های خاص آنها اتفاق می‌افتد و سپس به سایر اقشار جامعه انتقال پیدا می‌کند. به همین دلیل مهم نیز جامعه پژوهش حاضر را از بین دانشجویان دانشگاه برگزیدیم تا با واکاوی تجربیات آنها به صورت کیفی و ملموس، دنیای ذهنی آنها را درک کرده و بروندادی خالص و با ارزش از آن تجربیات به دست آورده و در نهایت راهکارهایی واقعی و درخور توجه برای پیشگیری از برقراری روابط ناسالم در میان نسل جوان و نوجوان کشور ارائه دهیم. بنابراین این پژوهش به صورت کیفی و با رویکردی پدیدارشناسانه، به بررسی دلایل گرایش به ارتباط با جنس مخالف در میان دانشجویان دانشگاه پرداخته و با هدف پاسخگویی به پرسش‌های زیر انجام گرفته است:

۱- دلایل گرایش دانشجویان به روابط با جنس مخالف قبل از ازدواج چیست؟

۲- چه مضامین اصلی و فرعی از این تجارب حاصل خواهد شد؟

۳- معنا و تفسیر پدیدارشناسی این تجارب چیست؟

روش پژوهش

این پژوهش از نوع کیفی بوده و با رویکرد پدیدارشناسی انجام شده است. در مطالعه پدیدارشناسی، معنی یک پدیده یا مفهوم از دیدگاه افراد متعددی کشف می‌شود که آن مفهوم یا پدیده را تجربه کرده‌اند (Creswell, 2007. P58). هدف پژوهش پدیدارشناسی، توصیف صریح و شناسایی پدیده‌هاست، آنگونه که در موقعیتی خاص از سوی افراد ادراک می‌شوند (Vanderstoep, 2009. P50). در واقع پدیدارشناسی هم توضیح ذهن است و هم توضیح و تفسیر محتوا و موضوع ذهن (Erab i & Boodlaei, 2012. P32). در این پژوهش، محقق از طریق گفتگوهای عمیق تلاش می‌کند به دنیای شرکت‌کنندگان وارد شود تا به تجربیات زنده آنها دسترسی کامل پیدا کند (Shahavi et al, 2015. P3).

در این مطالعه از پدیدارشناسی Hermeneutic (تأویلی) برای کشف علل گرایش به ارتباط با جنس مخالف استفاده شده است. پدیدارشناسی هرمنوتیک رویکردی نظام مند برای مطالعه و تفسیر یک پدیده ارائه کرده و اجازه می‌دهد پدیده مورد نظر با یک دید تفسیری، به درک عمیق‌تری از تجربه‌های زیستی دست یابد (Habibi Kaleybar, Farid & Gharibi, 2015. P44).

جامعه هدف این پژوهش، دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان (تبریز) در سال تحصیلی ۹۷-۹۸ بودند که بر اساس روش نمونه‌گیری غیرتصادفی گلوله برفی (زنجیره‌ای) انتخاب شدند؛ فرایند نمونه‌گیری به این صورت بود که محقق ابتدا با کمک و همراهی چند نفر از دانشجویان آگاه به زمینه پژوهش، چند نفر نمونه که معیارهای انتخاب شدن به عنوان نمونه را داشتند (دانشجوی مقطع کارشناسی که حداقل یکبار تجربه ارتباط با جنس مخالف را در زندگی داشته باشد) انتخاب کرده و در ادامه از آن‌ها خواست که اگر دانشجویان دیگری را می‌شناسند که ملاک‌های ورود به تحقیق را داشته و دارای تجربیاتی در این زمینه هستند، برای شرکت در مطالعه معرفی نمایند.

فرایند انتخاب نمونه‌ها تا زمانی که به اشباع رسیدند، ادامه پیدا کرد. اشباع در تحقیق کیفی، ملاک کفایت حجم نمونه بوده و عبارت است از اینکه با ادامه جمع‌آوری داده‌ها، داده‌های جمع‌آوری

شده، تکرار داده‌های قبلی باشد و کد مفهومی جدیدی حاصل نگردد (Adib Hajbagheri, Parvizi & Salsali, 2018. P27). داده‌ها در این پژوهش با ۱۴ نفر به اشباع رسید که برای اطمینان، با ۴ نفر دیگر مصاحبه به عمل آمد و در نهایت با ۱۸ نفر (۹ دختر و ۹ پسر، با رعایت نسبت طبقات) در دامنه سنی ۲۳-۱۸ سال، نمونه‌گیری به اشباع رسید که مشخصات آنها در جدول (۱) آمده است.

ابزار پژوهش

به منظور جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد؛ به این صورت که چند سوال کلی مطرح و بسته به جواب داده شده، سوالات اکتشافی دیگری پرسیده شد. سوالات کلی عبارت بودند از: اولین تجربه رابطه با جنس مخالف کی بود؟-حد و مرز ارتباط شما چه بوده است؟- دلیل/دلایل گرایش به این ارتباط را چه می‌دانید؟-از نظر شما چه عواملی به این ارتباط دامن می‌زنند؟ پیامدهای برقراری این ارتباط برای شما چه بوده است؟ مدت زمان مصاحبه‌ها بین ۴۵ تا ۶۷ دقیقه بود که برای هر شرکت‌کننده یک جلسه مصاحبه به عمل آمد. با اجازه شرکت‌کنندگان، مصاحبه‌ها روی نوار ضبط شده و پس از اتمام مصاحبه و گوش دادن مکرر، متن مصاحبه‌ها پیاده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

برای تایید معتبر بودن پژوهش، نتایج حاصله به شرکت‌کنندگان ارائه شد و همه آنها بر صحت و هماهنگی نتایج پژوهش با تجربیات بیان شده خود تاکید داشتند. شرکت‌کنندگان از ملاحظات اخلاقی اعمال شده قبل از شروع مصاحبه، از جمله: آزادانه بودن شرکت در پژوهش و ادامه حضور در آن-پذیرایی حین مصاحبه-حق اعلام انصراف در هر مرحله از پژوهش-رضایت آگاهانه و اطمینان از محرمانه و ناشناس ماندن شرکت‌کنندگان آگاه شدند.

در نهایت اینکه برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش ۹ مرحله‌ای (Adib Hajbagheri, Colaizzi & Salsali, 2018. P74) استفاده شد. بدین ترتیب فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت زیر انجام شد:

۱-توصیف پدیده مورد نظر توسط محقق: در این مرحله برای آشنایی با ذهنیات محقق، شروع بدون سوگیری تحقیق و توصیف پدیده به صورت بیطرفانه، برداشتهای ذهنی محقق درباره پدیده به نگارش درآمد.

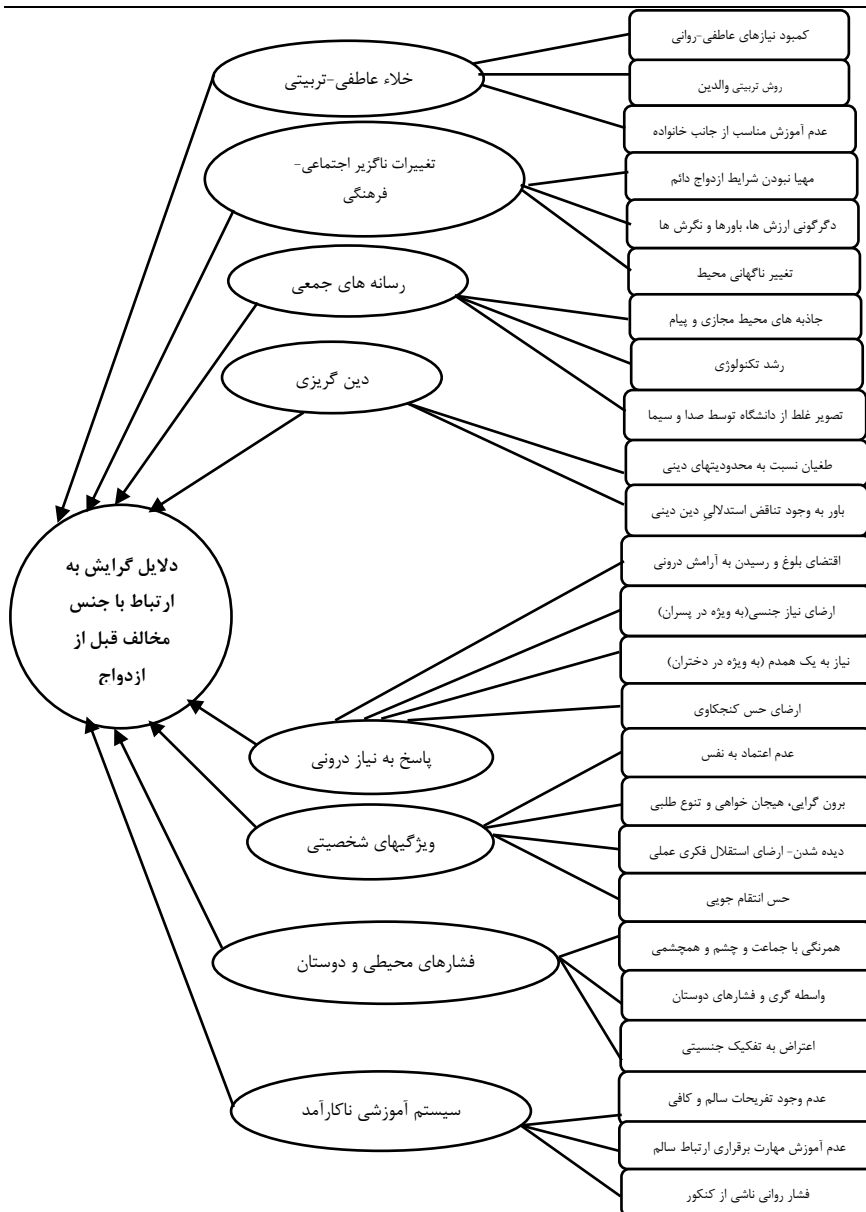
- ۲- جمع‌آوری توصیف‌های شرکت‌کنندگان: در این مرحله مشارکت‌کنندگانی که دارای تجربه غنی از ارتباط با جنس مخالف بودند و می‌توانستند آن را به خوبی ارائه کنند، انتخاب شدند.
- ۳- قرائت توصیف‌های شرکت‌کنندگان: در این مرحله محقق برای رسیدن به یک درک کلی از پدیده ارتباط با جنس مخالف و تجارب مشارکت‌کنندگان، توصیف‌های آنها را با شنیدن چندین باره از فایل صوتی، بر روی کاغذ پیاده کرد.
- ۴- استخراج عبارات اصلی: در این مرحله محقق به منظور کدگذاری داده‌ها، زیر کلمات و جملات کلیدی خط کشیده و به قطعات اساسی و مهم متن برچسپ یا عنوان‌های توصیفی داد.
- ۵- پیدا کردن معنای عبارات اصلی: کلمات، جملات و قطعات اساسی که در مرحله قبل مشخص شده بودند، در این مرحله در محل‌های جدید نوشته شده و دسته‌بندی شدند تا به تدریج معانی نهفته در این دسته‌ها، خود را نشان دهند.
- ۶- سازمان دهی و فرموله کردن معانی در قالب خوشه‌ها و تم‌ها (مضمون‌ها): محقق دسته‌هایی را که در مرحله قبلی ایجاد شده، مرتباً با هم مقایسه و در قالب دسته‌های جدید قرار داده و به هر دسته یا تم، یک برچسپ یا عنوان انتزاعی داد که گویای مفهوم اساسی نهفته در آن دسته بود. بنابراین ساختار اساسی پدیده خود را نشان داد.
- ۷- نوشتن یک توصیف جامع: در این مرحله از هر کدام از دسته‌ها و تم‌ها یک توصیف جامع نوشته شد.
- ۸- فرموله کردن ساختار اساسی پدیده: برای روشن‌تر شدن مفهوم یا ساختار اساسی پدیده، در قالب جدولی، ارتباط مضامین اصلی و فرعی زیرمجموعه آنها نشان داده شد (جدول ۲).
- ۹- مقایسه توصیف‌های شرکت‌کنندگان و محقق و اصلاح یا افزودن موارد لازم: در این مرحله محقق یافته‌ها را به شرکت‌کنندگان برگرداند و آنها نیز سازگاری یافته‌های محقق را با تجارب خود تایید کردند.

جدول ۱: مشخصات کلی مشارکت‌کنندگان در پژوهش

حد ارتباط	شروع تجربه دوستی با جنس مخالف	وضعیت تاهل	سن	جنسیت	کد شرکت کننده
رابطه جنسی	دوره دانشجویی	مجرد	۲۱	پسر	۱
رابطه معمولی و سالم	دوره دانشجویی	مجرد	۲۱	پسر	۲
رابطه معمولی و سالم	اول دبیرستان	مجرد	۲۱	پسر	۳
رابطه عاطفی مکرر	اول دبیرستان	مجرد	۱۹	دختر	۴
رابطه عاطفی مکرر	اول دبیرستان	مجرد	۲۱	دختر	۵
رابطه جنسی	اول دبیرستان	مطلقه	۲۱	دختر	۶
رابطه معمولی و سالم	سوم راهنمایی	مجرد	۲۱	دختر	۷
رابطه عاطفی	دوم دبیرستان	مجرد	۲۱	پسر	۸
رابطه عاطفی مکرر	دوره دانشجویی	مجرد	۲۰	دختر	۹
رابطه جنسی	دوران راهنمایی	مجرد	۲۰	دختر	۱۰
رابطه جنسی	دوران دبیرستان	مجرد	۲۳	پسر	۱۱
رابطه معمولی و سالم	دوران دبیرستان	مجرد	۱۹	دختر	۱۲
رابطه جنسی	دوران دبیرستان	مجرد	۲۲	پسر	۱۳
رابطه معمولی و سالم	دوران دانشجویی	مجرد	۱۹	پسر	۱۴
رابطه عاطفی مکرر	دوران دبیرستان	مجرد	۲۲	دختر	۱۵
رابطه معمولی و سالم	دوران دانشجویی	مجرد	۲۰	پسر	۱۶
رابطه عاطفی مکرر	دوران دبیرستان	مجرد	۱۹	پسر	۱۷
رابطه عاطفی مکرر	دوران دانشجویی	مجرد	۱۹	دختر	۱۸

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، ۱۴۴ مضمون اولیه از مصاحبه‌های انجام یافته با دانشجویان در خصوص دلایل گرایش به ارتباط با جنس مخالف به دست آمد که پس از ادغام مضمون‌های مشترک و مشابه، در ۸ مضمون اصلی و ۲۵ مضمون فرعی خلاصه شده که در جدول شماره ۲ دسته‌بندی شده و در ادامه به تفکیک، نمونه اظهارات شرکت‌کنندگان در مورد هر کدام از مضمون‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند.



شکل ۱: مدل مفهومی دلایل گرایش به ارتباط با جنس مخالف قبل از ازدواج

مضمون اصلی ۱: خلاء عاطفی-تربیتی

اولین مضمون اصلی استخراج شده از اظهارات شرکت کنندگان در این مصاحبه برای دلیل ارتباط و دوستی با جنس مخالف، خلاء عاطفی-تربیتی است. برای این مضمون اصلی، سه مضمون فرعی به دست آمده‌اند که برخی از اظهارات شرکت کنندگان در این زمینه‌ها به تفکیک مضمونهای فرعی عبارتند از:

۱-۱: کمبود نیازهای عاطفی-روانی

کد شماره ۴ (دختر): "وقتی در خانه بهم محبت و توجه مناسبی نبوده، چه توجه و محبتی بهتر از یک پسر که راحت حرفامو باهش در میان بذارم و بهم توجه کنه؟! پدرم زیاد اهل محبت کردن نبود و واقعا نمیتونم درک کنم که چرا میگن دختر بابایی؟! من برعکس والدینم، دخترم رو جوروی بارمیارم که با من راحت باشه و حرفای دلشو بدون هیچ ترسی باهام در میان بذاره، نه اینکه بره دانشگاه و بلا سرش بیارن!"

۱-۲: روش تربیتی و انتظارات نابجای والدین

کد شماره ۲ (پسر): "سیستم خط تولیدی (تحصیل-سربازی-ازدواج) که خانواده‌ها راه انداخته-اند، اصلا درست نیست و اینکه قبلش نباید هیچ رابطه احساسی عاطفی با جنس مخالف وجود داشته باشد."

کد شماره ۱۰ (دختر): "پدرم میخواست دکتر بشم اما من از دیدن خون حالم به هم میخورم و دوست داشتم موسیقی ادامه بدم، واسه همینم خیلی از لحاظ روانی اذیتم میکرد و این برای من یکی از دلایل این گرایش بود"

۱-۳: عدم آموزش مناسب از جانب خانواده

کد شماره ۳ (پسر): "دید جامعه ما به یک رابطه، صرفا یک نگاه جنسی هست، در صورتیکه همیشه مخصوصا از جانب خانواده یک رابطه سالم و به دور از رابطه جنسی و صدمه زدن به طرف مقابل رو آموزش داد؛ چیزی که متاسفانه در خانواده‌ها خیلی کم وجود داره"

کد شماره ۱۲ (دختر): "پدرم خیلی خوبه، حتی وقتی عکس خودم رو روی پروفایلم در حیط مجازی میذارم، برعکس خیلی از باباها، خوشحال هم میشه و میگه دختر خوشگل خودمی! یه بار هم وقتی با همکلاسیام رفتیم بیرون و دیر برگشتیم خوابگاه، حراست زنگ زد به خونه مون، بابام وقتی فهمید پسر باهامه خیالش راحت شد و گفت اشکالی نداره!"

مضمون اصلی ۲: تغییرات ناگزیر اجتماعی-فرهنگی

دومین مضمون اصلی استخراج شده از اظهارات شرکت کنندگان در این مصاحبه برای دلیل ارتباط و دوستی با جنس مخالف، تغییرات ناگزیر اجتماعی-فرهنگی است. برای این مضمون اصلی، سه مضمون فرعی به دست آمده اند که برخی از اظهارات شرکت کنندگان در این زمینه ها به تفکیک مضمونهای فرعی عبارتند از:

۱-۲: مهیا نبودن شرایط ازدواج دائم

کد شماره ۳ (پسر): "فراهم نبودن شرایط ازدواج، بالا رفتن سن افراد نسبت به قبل در بحث ازدواج و محدود شدن آنها در بحث رابطه، همچنین زیاد شدن توقعات در ازدواج که الان یه جوری شده که حتی همیشه به ازدواج فکر هم کرد، همه اینها باعث شده همه بخوان برن سمتش!"

۲-۲: دگرگونی ارزشها، باورها و نگرشها

کد شماره ۳ (پسر): "امروزه ارزشها دگرگون شده و موانعی که قبلا بود، الان خیلی هاش برداشته شده، در نتیجه همان تمایل قدیمی الان بیشتر در حیطه عمل خودشو نشون میده." کد شماره ۴ (دختر): "عوض شدن ارزشها در طول نسلها باعث شده من و امثال من وارد چنین ارتباط هایی بشیم. وقتی تغییرات اجتماعی رخ میده، مگه میشه گفت نشه؟!"

۳-۲: تغییر ناگهانی محیط

کد شماره ۶ (دختر): "راستش من در محیط روستایمان و تا قبل از اومدن به دانشگاه خیلی پایبند به عقاید دینی و مذهبی بودم و اگه سهوا هم دستم در بازار به دست یه نامحرم می خورد، تا یک هفته عذاب وجدان داشتم و خودم رو ریکآوری می کردم! اما بعد از اومدن به دانشگاه و مشاهده محیطی جدید، دیدم بازتر شده و آن وقت فهمیدم ما کجای دنیاییم!"

مضمون اصلی ۳: رسانه های جمعی

مضمون اصلی استخراج شده دیگر، تاثیر رسانه های جمعی و محیط مجازی است. برای این مضمون اصلی، سه مضمون فرعی به دست آمده‌اند که برخی از اظهارات شرکت کنندگان در این زمینه‌ها به تفکیک مضمونهای فرعی عبارتند از:

۳-۱: جاذبه های محیط مجازی و پیام رسانها

کد شماره ۱ (پسر): "ترم دوم دانشگاه، یه شب یه دختر همکلاسیم در اینستاگرام، Story (داستان) گذاشته بود که کیا بیدارند؟ من هم که آنلاین بودم، از خداخواسته وارد گفتگوی مجازی شده و از ۳ و نیم نصف شب تا ۱۰ صبح با هم چت کردیم! یه جورایی احساس کردم که منو دوست داره و وارد ارتباط عاشقانه‌ای شدیم!"

۳-۲: رشد تکنولوژی و ریزش ترس از تبعات منفی ارتباطها

کد شماره ۳ (پسر): "تکنولوژی چنین روابطی رو راحت تر کرده و وبهش سرعت بخشیده، چراکه در محیط مجازی شما ترسی از واکنش طرف مقابل ندارید و اگه خجالتی هم باشید، راحت و به دور از ترس از اینکه کسی بفهمه، حرفتون رو می‌زنید. نسل جدید امروزه به دلیل رشد تکنولوژی ترسشون از عواقب و تبعات چنین ارتباط هایی به شدت ریزش کرده، مثلا در گذشته شلاق می‌زدن اما الان به ندرت پیش میاد!"

۳-۳: نشان دادن تصویر غلط و واهی از دانشگاه توسط صدا و سیما

کد شماره ۲ (پسر): "در این بین نقش رسانه‌های جمعی مثل صدا و سیما که تصویری واهی از دانشگاه به تصویر می‌کشند، خیلی پررنگه؛ مثلا اینکه در اکثر فیلمها نشان میدن که جزوه گرفتن دختر و پسر در دانشگاه و دنبال روابط عاشقانه بودن، نهایت فعالیت علمی دانشگاهست!"

مضمون اصلی ۴: دین‌گریزی

یکی دیگر از مضامین اصلی استخراج شده، دین‌گریزی نسل نوجوان و جوان است که متأسفانه تاثیر مخربی بر نگرش آنها به دین گذاشته است. آنها نگرش‌های خام و معیوب اصلاح نشده و

همچنین سوالاتی دارند که متناسب با سنشان جوابی برایش پیدا نکرده‌اند. برای این مضمون اصلی، دو مضمون فرعی به دست آمده‌اند:

۴-۱: طغیان نسبت به محدودیتها و دیدگاههای تابوی دینی در این زمینه

کد شماره ۵ (دختر): "اصلا مگه نمیگن ما خواهر و برادر دینی هستیم؟ چرا نباید دو تا خواهر و برادر باهم راحت باشند و تحت آموزش رابطه سالم از کودکی بیشتر همدیگر رو بشناسند؟! به نظرم کلاسهای آموزش مهارت‌های زندگی که بر اساس افکار دینی اجرا میشه، هیچ تاثیری در اکثریت نسل جوان نداره."

کد شماره ۱۱ (پسر): "در دوران دبیرستان با دیدن محدودیت‌های موجود که دین سر راه آدم گذاشته، از دین زده شدم!"

۴-۲: باور به وجود تناقض و فقدان پشتوانه استدلالی قوی دینی در این زمینه

کد شماره ۳ (پسر): "تناقض و کشمکش‌های شدید بین اعتقادات شخصی که ناشی از تربیت خانوادگی و امر و نهی‌های دینی و بدون پشتوانه محکم و استدلال منطقیه صرفا مقابله و تهدید می‌کنه از یک طرف، و حرفهایی که یک سری افراد روشنفکر دیگه در این باره می‌زنن، از طرف دیگه باعث میشه ما نسل جدید که تشنه استدلال منطقی و عقلانی هستیم، کفه ترازو را به نفع افراد و الگوهای موفق و روشنفکر ببینیم و وارد چنین روابط سالمی بشیم و مشکلی هم پیش نیاد!"

کد شماره ۴ (دختر): "به نظرم صاحب‌نظران دینی و مذهبی ما، دین رو سپر عقاید و تفسیرهای شخصی خودشون کرده‌اند و از دادن تفسیری مطابق با مقتضیات زمان یا عاجزند یا عمدا بیان نمی‌کنند! جامعه تغییر کرده و نیازمند آپدیت عقاید هستیم!"

مضمون اصلی ۵: پاسخ به نیاز درونی

یکی دیگر از مضامین اصلی استخراج شده، ارضای حس کنجکاوی است. برای این مضمون اصلی، چهار مضمون فرعی به دست آمده‌اند که برخی از اظهارات شرکت‌کنندگان در این زمینه‌ها به تفکیک مضمون‌های فرعی عبارتند از:

۱-۵: اقتضای بلوغ و رسیدن به آرامش درونی

کد شماره ۳ (پسر): "به نظرم این نوع روابط، پاسخگویی به یک نیاز طبیعی؛ آگه کسی با خانواده‌اش مشکلی نداشته باشد، دلیل نمیشه که گرایش به چنین ارتباطی نداشته باشه. همانطور که مثلا غذا خوردن یک نیاز طبیعی و نمی‌توان به کسی گفت نباید کلا غذا بخوری اما میشه از مضرات غذاهای مضر برحذر داشت، همچنین روابط با جنس مخالف یک نیاز طبیعی و نمیشه گفت اصلا نباید هیچ رابطه‌ای داشت، بلکه باید یک رابطه خوب و سالم و با رعایت خطوط قرمز رو تعریف کرد."

کد شماره ۱۲ (دختر): "اولین ارتباطم با جنس مخالف دوران دبیرستان بود؛ یه جورایی یه حس عجیب و ناشناخته دوست داشتن و کسب آرامش درونی که تا آن زمان تجربه نکرده بودم، باعث شد وارد رابطه بشم."

۲-۵: ارضای نیاز جنسی (به ویژه در پسران)

کد شماره ۲ (پسر): "من چون فردی معتقد هستم و نمی‌خواستم خودارضایی کنم، به خاطر همین مساله پیش پا افتاده چندین بار خواستم ازدواج کنم و این خیلی خطرناکه چون همراه با منطق و آگاهی نیست. سرکوب جنسی تاثیرات مخرب روحی روانی و جسمی در پی داره، بنابراین من و امثال من به قصد تامین نیاز جنسی وارد چنین ارتباطهایی میشیم."

۳-۵: نیاز به یک همدم و حامی (به ویژه در دختران)

کد شماره ۵ (دختر): "بعد از تمام شدن یک رابطه عاطفی، مدتها موقع خواب تا صبح گریه می‌کردم و روزها هم با آهنگ غمگین یا شاد هم گریه می‌کردم! دنیا برام تیره و تار می‌شد. دوری از تنهایی و یک نیاز ذاتی به یک همدم و حامی از جنس مخالف برای تکمیل کردن خود، باعث گرایش به چنین ارتباط هایی میشه. متاسفانه فقر اقتصادی باعث تن دادن خیلی از دختران به ارتباطات نامتعارف با پسرهای پولدار، حتی از بیرون دانشگاه میشه."

کد شماره ۶ (دختر): "دلایل زیادی رو میشه برای گرایش به این ارتباطها ذکر کنم از جمله نداشتن محرم راز و همدم واقعی که به نظرم تنها از جنس مخالف میشه پیدا کرد."

۴-۵: رضای حس کنجکاو

کد شماره ۹ (دختر): "روابط زیادی رو تا حالا تجربه کرده‌ام، خانواده هم مخالفتی نداشتن و در جریان روابطم بودن و بهم اعتماد داشتن و میگفتن جهت شناخت ویژگیهای همه جانبه جنس مخالف و به قصد ازدواج مشکلی نداره."

کد شماره ۲ (پسر): "متأسفانه در فرهنگ ما به مقوله ارتباط و دوستی، به عنوان "قانون صفر و یک" نگاه می‌کنند؛ به این معنی که دختر و پسر یا نباید همدیگر رو بشناسند و با هم آشنا شوند یا اگر آشنا شوند، حتماً به قصد ازدواج باشد اما به نظر من یک رابطه سالم و خواهر برادری و کسب تجارب جدید هیچ اشکالی ندارد!"

کد شماره ۱۰ (دختر): "به نظرم هر آدمی در دوره‌ای باید خودش رو رها کنه و هرگونه رابطه‌ای رو به قصد خوش گذرانی تجربه کنه؛ پارتی رفتن، ارتباط عاشقانه یا جنسی و غیره. مثلاً ما تو دانشگاه همراه اکیبهای دختر پسری و به دور از اطلاع خانواده به مسافرتها در اقصا نقاط کشور میریم و خوش میگذرانیم!"

مضمون اصلی ۶: ویژگیهای شخصیتی

از دیگر مضامین اصلی استخراج شده، ویژگی‌های شخصیتی شرکت‌کنندگان است. برای این مضمون اصلی، چهار مضمون فرعی به دست آمده‌اند که برخی از اظهارات شرکت‌کنندگان در این زمینه‌ها به تفکیک مضمونهای فرعی عبارتند از:

۱-۶: عدم اعتماد به نفس و ناتوانی در مهارت نه گفتن

کد شماره ۵ (دختر): "تا حالا ارتباطهای زیادی داشتم و واقعا از خودم خجالت می‌کشم که این قدر راحت احساساتم را در اختیار یک سری افراد قرار داده‌ام که فکر می‌کردم آدم هستن، نمی‌دونم چرا آدم باید اینجوری باشه؟!"

۲-۶: برون‌گرایی، هیجان‌خواهی و تنوع طلبی

کد شماره ۳ (پسر): "تنوع طلبی و دنبال کردن امور هیجانی و جدید، به ویژه در پسرهای یکی از دلایل گرایش به ارتباطه."

کد شماره ۵ (دختر): "اولین ارتباطم از ۱۶ سالگی و در محیط مجازی شکل گرفت؛ به نوعی هیجان نوجوانی بود. افرادی مثل من که برون گرا و از لحاظ روحی-روانی، احساساتی و هیجانی هستند، زمینه ورود به چنین روابطی را دارند."

۳-۶: دیده شدن و ارضای استقلال فکری-عملی

کد شماره ۳ (پسر): "وقتی در خانواده نمی‌داشتن با دوستانم برم مسافرت، یه جورایی دوس داشتم حس استقلال فکری-عملی رو در دوستی و ارتباط با یه جنس مخالف نشون بدم. در کل بخوام بگم، اگر چنین ارتباطی رو نداشته باشم، یه جورایی افته برای من!"

کد شماره ۵ (دختر): "با ورود به چنین روابطی با جنس مخالف، میتونم به همه ثابت کنم که منم قدرتی دارم!"

۴-۶: حس انتقام جویی و طغیان نسبت به سنت‌ها و قوانین موجود

کد شماره ۵ (دختر): "همیشه دوست داشتم از اون خونه لعنتی برم اما الان دوست دارم بشینم و بجنگم و اونها رو قانع کنم که به عقاید احترام بذارن و حقمو به دست بیارم. حتی حقمو از کل جامعه بگیرم. یکی دیگه از دلایل ورود به این روابط، طغیان نسبت به قوانین موجود جامعه ست؛ مثلا چرا باید زن در دوران مجردی با اجازه پدر، و در دوران متأهلی با اجازه شوهر از کشور خارج بشه؟ مگه ما کمتر از مرداییم؟! چرا باید در مدارس دخترانه شیشه‌های کلاسها رو رنگ کنند که مثلا پسرها نبینن؟ آیا این توهین به شخصیت ما نیست؟!"

کد شماره ۲ (پسر): "قبل از دانشگاه به شدت مذهبی بودم اما الان نه. برخی از طغیان هایم هم به همین روابط برمیگردد که چرا باید بصورت تابو به این قضیه نگاه کرد؟! سرکوب جنسی تاثیرات مخرب روحی روانی و جسمی در پی داره. خانواده ها باید خیلی راحت در مورد مسائل جنسی صحبت کنند."

مضمون اصلی ۷: فشارهای محیطی و دوستان

مضمون اصلی استخراج شده دیگر، فشارهای محیطی و دوستان است. برای این مضمون اصلی، دو مضمون فرعی به دست آمده‌اند که برخی از اظهارات شرکت کنندگان در این زمینه‌ها به تفکیک مضمونهای فرعی عبارتند از:

۷-۱: همرنگی با جماعت و چشم و همچشمی

کد شماره ۷ (دختر): "به خاطر چشم و هم‌چشمی و اینکه دیدم که خواهرم دوس پسر داره، منم خواستم تقلید کنم. همچنین برای اینکه بهم نگویند خیلی مُنگلی و با پسرها رابطه‌ای نداری، منم خواستم همرنگ جماعت بشم تا ثابت کنم منم چیزی کم ندارم!"

۷-۲: واسطه‌گری و فشارهای دوستان

کد شماره ۶ (دختر): "به اجبار دوستان، وارد اکیپ دختر پسرهای دانشگاه شدم که متاسفانه به جاهای بدی که همان ارتباط جنسیه ختم شد!"

کد شماره ۹ (دختر): "اولین ارتباطم در ۱۹ سالگی بود؛ خواهرم از طریق دوس پسر خودش، یه کیسی (فرد خاصی) رو معرفی کرده بود!"

مضمون اصلی ۸: سیستم آموزشی ناکارآمد

و در نهایت، آخرین مضمون اصلی استخراج شده، سیستم آموزشی ناکارآمد است. برای این مضمون اصلی، چهار مضمون فرعی به دست آمده‌اند که برخی از اظهارات شرکت‌کنندگان در این زمینه‌ها به تفکیک مضمونهای فرعی عبارتند از:

۸-۱: اعتراض به تفکیک جنسیتی و محدودیت‌های موجود

کد شماره ۹ (دختر): "محدودیت‌های ایجاد شده توسط سیستم آموزشی مثل تفکیک جنسیتی‌های داخل مکانهای دانشگاه و گیر دادن‌های حراست فیزیکی دانشگاه باعث شده که در ذهن همه، جنس مخالف به صورت یک هیولا جلوه کنه و کنجکاوی زیادی برای برقراری ارتباط ایجاد کرده"

۸-۲: عدم وجود تفریحات و سرگرمی‌های سالم و کافی

کد شماره ۷ (دختر): "نبود تفریحات مناسب در دانشگاه و اوقات فراغت، باعث میشه اوقاتمون رو با جنس مخالف سر کنیم."

کد شماره ۱۰ (دختر): "مدرسه‌ای خشک و بی روح، بدون تفریح و تنوعی! همیشه به این فکر میکنم که چرا ما نباید مثل اروپایی‌ها سیستم آموزشی و تربیتی خوب و شادی داشته باشیم و خوش باشیم؟!"

۳-۸: عدم آموزش مهارت‌های برقراری ارتباط سالم

کد شماره ۱۴ (پسر): "متأسفانه ما هنوز داریم با تفکرات ۴۰ سال پیش آموزش می‌بینیم در صورتیکه دنیا پیشرفت کرده، مثلاً همین دنیای مجازی اونموقع‌ها نبود و الان باعث تحولات گسترده‌ای در سطح روابط بشری شده. سیستم آموزشی ما در دانشگاه تنها یک درس ۲ واحدی به نام تنظیم جمعیت می‌ذاره، در صورتیکه باید خیلی وقت پیش حداقل در دوره راهنمایی و متناسب با سن و مقتضیات روحی و رشدی بچه‌ها اینارو میاورد."

۴-۸: ضعف تحصیلی و فشار روانی ناشی از کنکور

کد شماره ۱۰ (دختر): "شاید باور نکنید اما تحقیر کردن‌های برخی معلم‌ها و هکلاسی‌هایم در دوران مدرسه خاطر نمرات پایینم در برخی درسها، در گرایشم به ارتباط با جنس مخالف خیلی تاثیرگذار بود."

کد شماره ۱۱ (پسر): "مدتی بود که فشار زیاد کنکور باعث افسرده شدنم شده بود که یکهو وارد جو خوب دانشگاه و این ارتباط‌ها شدم!"

بحث و نتیجه‌گیری

جهان مدرن در دهه‌های اخیر، تحولات گسترده‌ای را از جنبه‌های مختلف به خود دیده است. از جمله تغییرات مهم این عصر، افزایش سن ازدواج و گسترش روابط خارج از دواج است. جامعه ایرانی، جامعه‌ای دینی و دارای ارزشهای خاص خود است که هرگونه روابط دوستی با جنس مقابل خارج از دین را منع می‌کند (Mohamad zadeh, 2018. P68). روابط پسران و دختران پیش از ازدواج همواره موضوعی مهم و با این حال، پوشیده از ابهام و همراه با شک و تردید و اضطراب بوده است. از طرفی فشارها و تنش‌های درونی باعث می‌شود که نوجوانان و جوانان خود به خود به سمت جنس مخالف گرایش پیدا کنند و از طرف دیگر ملاحظات اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی به عنوان موانعی بر سر راه آنان عمل کرده‌اند. این حالت‌های متضاد و متناقض در جامعه همواره برای

نوجوانان و جوانان و همچنین اولیاء و مسئولان آموزش و پرورش مسئله ساز و بغرنج بوده و وضعیت نامعلوم و سردرگمی را از لحاظ نحوه کنار آمدن با این مشکل ایجاد کرده است (Karami, 2018). (P17).

هدف از این پژوهش، تبیین دیدگاه دانشجویان درباره دلایل گرایش به ارتباط با جنس مخالف قبل از ازدواج بود که با روش کیفی و رویکرد پدیدارشناسی و با هدف پاسخگویی به این پرسش‌ها انجام شد: دلایل گرایش دانشجویان به روابط با جنس مخالف قبل از ازدواج چیست؟ چه مضامین اصلی و فرعی از این تجارب حاصل خواهد شد؟ معنا و تفسیر پدیدارشناسی این تجارب چیست؟ در ادامه با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته، ۸ مضمون اصلی و ۲۵ مضمون فرعی استخراج شد که مضامین اصلی عبارت بودند از: خلاء عاطفی، تربیتی- تغییرات ناگزیر اجتماعی، فرهنگی- رسانه- های جمعی- دین‌گریزی- پاسخ به نیاز درونی- ویژگی‌های شخصیتی- فشارهای محیطی و دوستان و سیستم آموزشی ناکارآمد.

بر اساس تحقیق حاضر، اولین مضمون اصلی تاکید شده در اکثر اظهارنظرها، خلاء عاطفی- تربیتی برآمده از ساختار و تار و پود خانواده است. بسیاری از شرکت‌کنندگان از محیط سرد و بی روح خانواده، دعوای خانوادگی، عدم احساس امنیت روانی در خانواده و ارتباط نامناسب و فاقد مهر و محبت والدین با هم و با فرزندان، فقدان زمینه ابراز عواطف و احساسات در محیط خانواده، نبود گوشه شنوا از جانب والدین برای شنیدن درددل‌ها، رابطه کلیشه‌ای با پدر و سیستم استبدادی حاکم بر خانواده، اشتغال مادر و عدم حضور کافی او در محیط خانواده، تربیت نادرست خانواده و صحبت نکردن والدین از آموزش مسائل ارتباطی و جنسی صحیح و... به عنوان دلایل گرایش خود به ارتباط با جنس مخالف قبل از ازدواج یاد می‌کنند. این نتایج با یافته‌های پژوهش‌های کیفی آذر و نامور (Azar & Namvar, 2018)، کرمی (Karami, 2018)، نوغانی دخت بهمنی و محمدی (Mohamadi & Noghani Dokht Bahmani, 2017) و محمدی و محمدی (Mohamadi, 2017) مطابقت دارد. بنابراین همانگونه که می‌گویند بچه‌ها کاردستی والدین هستند، بی توجهی به نیازهای عاطفی- روانی فرزندان، روش تربیتی و انتظارات نابجای والدین و همچنین عدم آموزش مناسب از سوی خانواده برای برقراری ارتباط سالم و پرهیز از ارتباط ناسالم در این زمینه می‌تواند به شدت مشکل ساز شود. ایجاد محیطی گرم و صمیمی و منسجم بین افراد خانواده

در کاهش بحرانهای بلوغ و ارتباطات زود و نابهنگام جنسی و سلامت روان فرزندان می‌تواند بسیار موثر واقع شود (Sarzehi, Moodi & Sharifzade, 2017).

پاسخ به نیاز درونی، مضمون دیگر استخراج شده از اظهارات شرکت‌کنندگان است که شامل زیرمجموعه‌های اقتضای بلوغ و رسیدن به آرامش درونی، ارضای نیاز جنسی (به ویژه در پسران) و نیاز به یک همدم، همراز و حامی (به ویژه در دختران) و ارضای حس کنجکاوی بوده و به عنوان یک دلیل محکم دیگر برای گرایش به ارتباط دوستی عنوان کرده‌اند که متأسفانه مهیا نبودن شرایط ازدواج به این معضلات دامن زده است. این یافته‌ها در پژوهش آذر و نامور (Azar & Namvar, 2018) تحت عناوین تمایل به جنس مقابل، ارضای نیاز جنسی و یافتن حامی در برابر مشکلات و سختی‌های زندگی تاکید شده است. همچنین با نتایج پژوهش‌های کرمی (Karami, 2018)، محمدی و محمدی (Mohamadi & Mohamadi, 2017)، نوغانی دخت بهمنی و محمدی (Noghani Dokht Bahmani & Mohamadi, 2017) و آزاد ارمکی و شریفی ساعی (Azad Armaki & Sharifi Saei, 2012) نیز مطابقت دارد. مشارکت‌کنندگان بیشترین دلایل ذکر شده در مضمون فرعی ارضای حس کنجکاوی را، شناخت بیشتر به قصد ازدواج و شناخت همه جانبه ویژگی‌های جنس مخالف دانسته‌اند. آشکارا معلوم است که اگر افراد از همان دوران کودکی و متناسب با سن، ویژگی‌های همدیگر را بشناسند و به قول یکی از مشارکت‌کنندگان (کد ۹) "تصورشان در ذهن همدیگر هیولا جلوه نکنند"، در دوران قبل از ازدواج نیز با فراغت بهتری در جستجوی شناخت هم خواهند بود و سایر نیازهای دیگر (نیاز به تغییر و کسب تجارب جدید و جنبه تفریحی و خوش گذرانی) نیز جلوه گر خواهند شد. این یافته با نتایج پژوهش‌های آذر و نامور (Azar & Namvar, 2018)، کرمی (Karami, 2018) و آزاد ارمکی و شریفی ساعی (Azad Armaki & Sharifi Saei, 2012) همخوان بوده و در پژوهش نوغانی دخت بهمنی و محمدی (Noghani Dokht Bahmani & Mohamadi, 2017) تحت عنوان مضمون اصلی "درگیری فضای ذهنی" تاکید شده است.

دین‌گریزی، طغیان نسبت به سنت‌ها، قوانین اجتماعی-دینی و سیستم آموزشی، همچنین تغییرات ناگزیر اجتماعی-فرهنگی، از جمله مضامین دیگری هستند که به تفصیل اظهارات شرکت‌کنندگان از این مضامین در بخش یافته‌ها بحث شد. آنها نگرش‌های خام و معیوب و همچنین سوالاتی در ذهن دارند که تاکنون جوابی برایشان پیدا نکرده‌اند و معتقدند که کلاسهای آموزش مهارت‌های زندگی که بر اساس افکار دینی اجرا میشود، هیچ تاثیری در اکثریت نسل جوان ندارد و

نیازمند جوابی متناسب با سن آنها و مقتضیات زمان هستند. به دلیل پذیرفته نشدن دوستی با جنس مخالف در ایران که دارای فرهنگ ریشه دار دینی است، به ویژه در حکومت اسلامی، نه تنها به نوجوانان ایرانی آموزش‌های لازم و مفیدی در این زمینه داده نمی‌شود، بلکه پدران و مادران، مسئولان مدارس و ماموران انتظامی بدون داشتن درجه بندی مشخصی از نوع ارتباط، افراد درگیر دوستی با جنس مخالف را مورد آزارهای گوناگون روانی و جسمی قرار داده و باعث می‌شوند که این دوستی‌ها به کشیده شدن به خلوت و تماس‌های پنهانی، همراه با رنج و خشم و عصیانگری علیه بزرگترها منجر شود و در نتیجه نوجوانان و جوانان و بیش از همه دختران را گرفتار آسیب‌های روانی و اخلاقی سازد (Golzari, 2010). بنابراین باید اندیشمندان دینی، جامعه شناسان و روان‌شناسان دلسوز کشور با همگرایی فکری به یک اجماع راهبردی رسیده و آموزش‌های لازم و متناسب با شرایط زمان و سن نسل جوان، برای کسب مهارت‌های لازم برای برقراری یک ارتباط سالم و منطقی و پیشگیری از ارتباط ناسالم را به این افراد بدهند. همچنین، بهتر است سیستم آموزشی کشور یک بار برای همیشه دو معضل اساسی موجود را در این زمینه حل کند که از دلایل اظهار شده شرکت-کنندگان برای روی آوردن نسل جوان برای برقراری ارتباط‌های ناسالم با جنس مخالف است: یکی حذف کنکور برای کاهش فشارهای روانی حاصل از آن، و دیگری بحث تفکیک جنسیتی دانش‌آموزان از همان کلاس اول دبستان تا دانشگاه، که نیاز به کار کارشناسی و اساسی و با در نظر گرفتن دو مولفه فرهنگ غنی ایرانی-اسلامی و شرایط و مقتضیات زمان است. در پژوهش آذر و نامور (Azar & Namvar, 2018)، خواجه نوری و دلاور (Khaje Noori & Delavar, 2013) و اسدیان، محمدزاده و نجفی (Asadian, Mohamad zade & Najafi, 2016) نیز بر مضامین داشتن حس انتقام جویی و تشفی خاطر و همچنین ضعف باورها و اعتقادات مذهبی تاکید شده است.

مضمون دیگری که در تجارب مشارکت‌کنندگان بسیار اهمیت داشت، تاثیر قدرتمند رسانه‌های جمعی بود که شامل زیرمجموعه‌های جاذبه‌های محیط مجازی و پیام‌رسانها، رشد تکنولوژی و ریزش ترس از تبعات منفی ارتباط‌ها و نشان دادن تصویر غلط و واهی از دانشگاه توسط صدا و سیما است. اکثر شرکت‌کنندگان اولین ارتباطشان را از طریق محیط مجازی مانند تلگرام و اینستاگرام عنوان کرده‌اند و در این زمینه اظهار نظر یکی از مشارکت‌کنندگان (کد ۱) برای درک عواقب آشنایی از این راه کافی به نظر می‌رسد که می‌گوید: "به نظرم حیوان هم اینطوری نیست که امروز از طریق فضای مجازی آشنا شویم، فردا عاشق هم بشیم و پس فردا هم در یک خانه با هم مراده جنسی

داشته باشیم!" این یافته با نتایج پژوهش‌های آذر و نامور (Azar & Namvar, 2018)، کرمی (Karami, 2018)، نوغانی دخت بهمنی و محمدی (Noghani Dokht Bahmani & Mohamadi, 2017)، آزاد ارمکی و شریفی ساعی (Azad Armaki & Sharifi Saei, 2012)، خواجه نوری و دلاور (Khaje Noori & Delavar, 2013)، دلاور و احمدی (Delavar & Ahmadi, 2013)، اسدیان، محمدزاده و نجفی (Asadian, Mohamad zade & Najafi, 2016)، ویتی (Whitty, 2008)، لئونارد و جونز (Leonard & Jones, 2012) و باس (Buss, 2012) همخوان است.

برخی ویژگی‌های شخصیتی در مشارکت‌کنندگان برای دلیل گرایش به ارتباط دوستی با جنس مخالف برجسته بودند از جمله: عدم اعتماد به نفس و ناتوانی در مهارت نه گفتن، برون‌گرایی، هیجان خواهی و تنوع طلبی، دیده شدن و نشان دادن برتری خود، ارضای استقلال فکری-عملی و داشتن حس انتقام جویی نسبت به سنت‌ها و قوانین موجود که لزوم توجه به این یافته از جانب روان‌شناسان و مشاوران کشور برای شناسایی این افراد و دادن آموزش‌های لازم را بیش از پیش آشکار می‌سازد. این یافته در پژوهش آذر و نامور (Azar & Namvar, 2018) تحت عناوین نشان دادن حس استقلال و توانایی برقراری ارتباط و همچنین غلبه بر برخی مشکلات شخصیتی و رفتاری مانند خجالت، شرم و کمبود اعتماد به نفس، در پژوهش کرمی (Karami, 2018) تحت عنوان ویژگی‌های شخصیتی بالینی و غیربالینی و در پژوهش‌های محمدی و محمدی (Mohamadi & Noghani Dokht Bahmani, 2017) و نوغانی دخت بهمنی و محمدی (Mohamadi, 2017) تحت عنوان تنوع طلبی و تعدد دوستی تاکید شده است.

و در نهایت، فشارهای محیطی و دوستان با زیرمجموعه‌های فرعی هم‌رنگی با جماعت و چشم و هم‌چشمی و واسطه‌گری و فشارهای دوستان، مضمون دیگری بود که از این پژوهش به دست آمد. در این رابطه، پسران بیشتر به خاطر کسب نفوذ بیشتر بین همسالان و کسب پذیرش اجتماعی در گروه‌های همسال، و دختران بیشتر به خاطر قدعلم کردن در مقابل عوامل تربیتی که به نظر آنها، بین جنس پسر و دختر در این رابطه فرق گذاشته و باعث محدودیتشان شده اند و همچنین نشان دادن قدرت خود، به این ارتباط‌ها روی می‌آورند. این یافته با نتایج پژوهش‌های آذر و نامور (Azar & Namvar, 2018)، کرمی (Karami, 2018)، محمدی و محمدی (Mohamadi & Mohamadi, 2017)، نوغانی دخت بهمنی و محمدی (Noghani Dokht Bahmani & Mohamadi, 2017)، آزاد

ارمکی و شریفی ساعی (Azad Armaki & Sharifi Saei, 2012)، خواجه نوری و دلاور (Khaje Noori & Delavar, 2013) و باسی (Buss, 2012) همخوان است.

نتایج این پژوهش بیانگر آن است که با وجود هزینه‌های هنگفت تبلیغات فرهنگی در کشور در طی سالیان متمادی، شاهد انعکاس ارزش‌ها و هنجارهای ایرانی-اسلامی آنگونه که انتظار می‌رفت و در شأن جامعه ایرانی است، نبوده‌ایم. وقتی ادبیات رایج در فرهنگ غرب برای نسل جوان ما الگو شده و به شدت و با استدلال محکم از آن دفاع می‌کنند، مانند: (کد ۴-دختر: من بجز "دوس پسر"، چند تا "دوستِ پسر" هم دارم؛ برای اولی رابطه عاشقانه وجود داره اما دومی نه!) و (کد ۱۱-پسر: من ارتباط‌های زیادی داشتم اما الان با یه دختری هستم که قصد ازدواج داریم. هر دو مون دوست‌های اجتماعی زیادی داریم (دوستِ دختر و دوستِ پسر) و مشکلی هم با این قضیه نداریم!)، نشان از این دارد که در این حوزه، مروجان امور فرهنگی کشور یا کار نکرده اند یا راه را به بیراهه رفته اند! همچنین از یک طرف، بنیان خانواده‌ها آن استحکام گذشته را ندارند و مشکلات عدیده نسل جوان برخاسته از سبک نادرست فرزندپروری و تربیت فرزند است و از طرف دیگر هم نظام آموزشی کشور به دلایل سوءمدیریت، مشکلات اقتصادی و نگرش نادرستِ مصرفی دولت به این بخش، به ویژه آموزش و پرورش، با کمبود بودجه لازم روبه رو بوده و توان لازم را برای مدیریت این معضل بزرگ و رو به رشد ندارد. واقعا به قول یکی از مشارکت کنندگان (کد ۱۰) "چرا ما نباید مثل اروپایی‌ها، سیستم آموزشی شاد و خوبی داشته باشیم؟! " پژوهشگران در این تحقیق، بر این باور هستند که برخی استدلال‌ها و نگرش‌های مشارکت‌کنندگان، خام و معیوب بوده و نیازمند اصلاح‌اند و برخی دیگر نیازمند توجه بیشتر از جانب مراجع و نهادهای تربیتی و فرهنگی‌اند. در این پژوهش از روش کیفی-پدیدارشناسی برای بررسی دلایل گرایش به ارتباط با جنس مخالف قبل از ازدواج استفاده شد که تحقیقات بسیار اندکی در این حوزه با این روش وجود دارد. به محققان پیشنهاد می‌شود از روش‌های کیفی دیگر مانند مردم‌نگاری و گراند تئوری نیز که در این حوزه بسیار اندک هستند، استفاده کنند.

و در نهایت، چند پیشنهاد کاربردی برآمده از این پژوهش به طور خلاصه عبارتند از:

- ۱- مجهز شدن روانشناسان و مشاوران به علم روز روانشناسی در زمینه بلوغ و پاسخ به مسائل نوجوانان در این زمینه و همچنین دادن تعریفی درست و منطقی در مورد حد و مرزهای دوستی سالم با جنس مخالف، مخصوصا برای دختران.

۲- برگزاری کلاسهای آموزش خانواده از سوی متخصصان و مشاوران مجرب در این زمینه و آگاهی دادن به خانواده ها در مورد لزوم پر کردن خلاء های عاطفی برای نوجوانان، برقراری ارتباط صمیمی تر با فرزندان مخصوصا پدر با دختر و مادر با پسر و تاکید بر داشتن یک گوش شنوا و فعال و همچنین آموزش روشهای تربیتی و برخورد مناسب و مقتضی سن آنان.

۳- آموزش نوجوانان در خانواده و مدرسه در مورد شناخت مناسب دوره بلوغ، تغییرات جسمی- روانشناختی و ویژگی های آن، داشتن مهارتهای درست زندگی مثل توانایی نه گفتن به درخواستهای نامشروع دوستی، ارضای مناسب هیجانها، همچنین شناخت ویژگیهای جسمانی-روانشناختی جنس مخالف در حد معقول و مناسب جهت پیشگیری از ارضای نامناسب حس کنجکاوی آنان در مورد این نوع مسائل از طریق مراجعه به سایتهای مجازی مستهجن یا آموزش های غلط و دور از عرف و دین توسط افراد ناباب.

۴- لزوم توجه بیشتر دولت و نهادهای حاکمیتی به امر ازدواج و اقتصاد و رفاه بیشتر جهت آسان کردن هر چه بیشتر این امر برای نوجوانان و جوانان

۵- لزوم توجه بیشتر رسانه های گروهی مثل صدا و سیما جهت تشویق خانواده ها برای گرفتن ازدواجهای آسان، همچنین آموزشهای مناسب تلویزیونی در مورد دوره بلوغ و مقوله ازدواج با دعوت از روانشناسان مجرب و دادن آگاهی های لازم در این زمینه جهت گرفتار نشدن نوجوانان در دام دوستی های نامشروع و خطرناک قبل از ازدواج.

۶- لزوم همگرایی فکری اندیشمندان دینی، جامعه شناسان و روان شناسان دلسوز کشور و رسیدن به یک اجماع راهبردی برای آموزشهای لازم و متناسب با شرایط زمان و سن نسل جوان و معرفی یک بدیل و جایگزین موفق برای فرهنگ غربی در این زمینه، جهت کسب مهارتهای لازم برای برقراری یک ارتباط سالم و منطقی و پیشگیری از ارتباط ناسالم قبل از ازدواج.

۷- لزوم توجه و کار کارشناسی شده توسط سیستم آموزشی کشور، با در نظر گرفتن دو مولفه فرهنگ غنی ایرانی-اسلامی و شرایط و مقتضیات زمان برای حل دو معضل اساسی موجود؛ یکی حذف کنکور برای کاهش فشارهای روانی حاصل از آن، و دیگری بحث تفکیک جنسیتی دانش آموزان از همان کلاس اول دبستان تا دانشگاه، و همچنین در نظر گرفتن تفریحات سالم و کافی در دانشگاه.

References

- Adib Haj Bagheri, Mohsen; Parvizi, Sarvar & Salsali, Mahvash (2018). *Qualitative Research Methods (New Edition)*. Tehran: Human Publications in collaboration with Tohfeh (11th Edition). (Persian)
- Ahmadpour, Ali (2016). The moral damage of the boy-girl relationship. *Knowledge Quarterly*, 24 (20): 118-130. (Persian)
- Assian, Davood; Mohammadzadeh, Ali and Najafi, Mahmoud (2016). A Survey of Attitude toward Sexual Friendship Among Male and Female Students. *Journal of Behavioral Sciences Research*, 13 (3): 509-518. (Persian)
- Azad Armaki, Taghi and Sharifi Saei, Mohammad Hossein (2012). Demographic determination of Iranian anomic sexual relations. *Journal of Cultural Sociology*, 2: 435-446. (Persian)
- Azar, Khadijeh and Namvar, Youssef (2018). Student Friendship Experiences of Girl and Boy Students with a Phenomenological Approach (Case Study: Payame Noor University of Ardabil). *Journal of Social Psychological Studies in Women*, 15 (2): 43-80. (Persian)
- Buss, p. Fishein, M., Blea, A. (2012). The Role of communication with friends in sexual initiation, *Communication Research*, 37(2):239-255.
- Creswell, w. john. (2007). “Qualitative Inquiry and research design; choosing among five approaches; (second edition). Thousands oaks, ca, Sage Publications.
- Delavar, Maryam Sadat and Ahmadi, Habib (2013). The Relationship between the Use of Communication and Information Technologies on the Level of Communication with the opposite Sex. *Journal of Social Sciences*, 9: 1-24. (Persian)
- Erabi, Seyed Mohammad and Boodlaei, Hassan (2012). Phenomenological research strategy. *Journal of Methodology in Humanities*. 17 (68): 31-58. (Persian)
- Golzari, Mahmoud (2010). Education and counseling with adolescents in relation to the opposite sex. *Journal of Psychology and Education Sciences*, 105-122. (Persian)
- Gue, W. ; Wu, Z.; Qiu, Y.; Chen, G.; Zhang, X (2012),” The Timing of Sexual Among Chinese Youth”, *International Perspective on Sexual and Reproductive Health*, No 38: 196-204.
- Habibi Kaleybar, Ramin; Farid, Abolfazl and Gharibi, Hassan (2015). Phenomenological analysis of the causes of addiction tendency and its predisposing factors from the perspective of improved addicts. *Journal of Social Health and Addiction*, 1 (2): 41-54. (Persian).
- Hesoomi, T; Nooshin fard, F; Hoseini Beheshti, M; Babolhavaeji, F & Hariri, N. (2018). Sociology of Women, Marriage and Family in the Holy Quran in order to present the Quranic family model (study of social concepts in the Holy Quran. *Journal of Woman and Society*, 9(4):97-132. (Persian).

-Karami, Rana (2018). Phenomenology of Factors Affecting the Formation and Continuity of Opposite Sex in Female Adolescents: A Qualitative Research. M.Sc., Tabriz University. (Persian)

-Karimian, Nader and Zarei, Iqbal (2016). A Qualitative Study of the Living Status of Women Who Have a Same-Sex Relationship with the Same Sex. Quarterly Journal of Woman and Society, 7 (2): 39-68. (Persian)

-Khaje Nouri, Bijan and Delal, Maryam Sadat (2013). Factors Influencing Girl-Boy Friendship Among Youth in Shiraz with Emphasis on the Future of Globalization. Journal of Applied Sociology, 46 (2): 41-46. (Persian)

-Khalaj Abadi Farahani, Farideh (2017). Meta-analysis of Premarital Sex Relationships Among Youth in the Past 15 Years (2001-2004) in Iran. Family Studies Quarterly, 12 (47): 339-367. (Persian)

-Leonard, K. & Scott-Jones, P. (2012). A Belief Behavior Gap? Exploring Religiosity and Sexual Activity among high school Seniors, Journal of Adolescent Research, 25(4): 578-600.

-Mahmoudian, Hossein and Dorahaki, Ahmad (2015). Factors Affecting Youth Attitude in Premarital Girl-Friendship Relationship. Strategic Studies of Sport and Youth, 81: 23-64. (Persian)

-Miller, L. robert & Brewer. d, john (2003). " The A-Z of social research" a dictionary of key social science research concepts.

-Mohammadi, Fardin and Mohammadi, Hussein (2017). A Qualitative Study of the Consequences of Sexual Assault Among Male and Female Adolescents (Case Study: Adolescents in Mashhad). Iranian Journal of Social Studies and Research, 5 (4): 641-662. (Persian)

-Mohammadzadeh, Ali (2018). The Study of Major Cultural-Psychological Injuries Among Male and Female Students. Journal of Culture in Islamic University, 7 (1): 55-76. (Persian)

-Noghani Dukht Bahmani, Mohsen and Mohammadi, Fardin (2016). Sexual orientation: A study of adolescent boys in Mashhad. Iranian Journal of Social Issues. 7 (1): 163-184. (Persian)

-Refahi, J; Goodarzi, M & Mirzaei.Chaharrahi,M (2012). Investigating the factors affecting the formation of premarital friendship between Girls and boys from the perspective of students. Journal of Sociology of Women, 3(1):117-134. (Persian).

-Sarzehi, Narges; Modi, Mitra and Sharifzadeh, Gholamreza (2017). The Application of Planned Behavior Model in Predicting Factors Affecting Opposite Sex in Adolescent Girls in Birjand. Journal of Birjand University of Medical Sciences, 23 (4): 325-333. (Persian)

–Shahavi, Ronak-Rostami, Fatemeh-Khosravi, Farangis-Ranaei, Fariba-Hashemi-Nasab, Leila; Hesami, Kajal & Zahari, Farzaneh (2015). Maternal living experience of cesarean delivery: A phenomenological study. *Iranian Journal of Obstetrics, Gynecology and Infertility*, 17 (104): 1-10. (Persian)

–Vanderstoep, w. Scott . (2009). “ research method for every day life. blending qualitative and quantitative approach”, by john wiley & sons, Inc.

–Whitty, M.T. (2008). Liberating or debilitating? An examination of romantic relationships, sexual relationships and friendships on the Net, *Computers in Human Behavior*, 24:1837–1850.